

رشد معنوی روح انسان بعد از مرگ

□ محمد مهدوی *

چکیده

«أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ»؛ هر کجا باشید، شما را مرگ درمی یابد؛ هر چند در برجهای استوار باشید. بامفارقت روح از بدن مرگ تحقق می یابد. تاوقتی روح در بدن انسان است در دنیا با یک سلسله اعمال رشد و تکامل معنوی پیدامیکند. اما اینکه بعد از مرگ در عالم برزخ روح به تکامل معنوی خود ادامه میدهد یا خیر؟ نوشتار حاضر به پاسخ این پرسش براساس آیات و روایات و دیدگاه حکما و فلاسفه پرداخته است.

براساس آیات و روایات پاسخ مثبت است؛ چراکه؛ از آیات و روایات بدست می آید که اعمال خیر و حسنه ی که ورثه بعد از مرگ شخص متوفی انجام میدهد و به روح او هدیه میکند روح متوفی در عالم برزخ رشد نموده سیر و تکامل معنوی را می پیماید. و همچنان صدقات جاریه که در دنیا از خود بجا گذاشته بعد از مرگ متوفی ازان بهره برده و روح وی به رشد و تکامل می رسد. فلاسفه و عرفا نیز رشد معنوی روح بعد از مرگ را تأیید نموده اند، باوجود اینکه از استدلال عقلی و فلسفی عاجز مانده اند.

کلیدواژه ها: مرگ، برزخ، عاقبت، تکامل، معنوی.

مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در حوزه ی مسائل دینی مطرح است این است که آیا برای انسان در عالم برزخ تکامل هست یعنی در ظرف برزخ هم انسان می تواند تکامل ورشد روحی و معنوی پیدا کند یا اینکه رشد و تکامل منحصر در عالم ماده است که تا زمانی که انسان در این جهان زندگی می کند می تواند رشد و تکامل روحی و معنوی داشته باشد چنانکه از جهت مادی می تواند در این جهان رشد و تکامل پیدا کند همین که از این جهان چشم فرو بست و دستش از این جهان کوتاه شد دیگر رشد و تکامل معنوی و روحی از برایش ممکن و مقدور نمی باشد.

این سوال را از دو دیدگاه شریعت یعنی آیات و روایات و دانشمندان فلسفه و کلام می شود مورد بررسی و پاسخ قرار داد.

تکامل معنوی روح از دیدگاه آیات و روایات

از دیدگاه آیات و روایات جواب این مسئله مثبت است یعنی آیات و روایات فراوانی داریم بر اینکه انسان می تواند بعد از مرگ در عالم برزخ رشد و تکامل داشته باشد.

الف) آیات

قرآن کریم از زبان لقمان میفرماید: «یا بُنَّیَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان / ۱۶)؛ پسر من اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی عمل نیک باشد و در دل سنگ یادگوشه ای از آسمان یا زمین پنهان گردد خداوند آن را در قیامت برای حساب رسی می آورد خداوند دقیق و آگاه است یا چنانکه در سوره زلزال میفرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال / ۸ و ۷)؛ هرکسی به اندازه ی سنگینی ذره ای کار خیر انجام داده باشد آن را می بیند و هر کسی که به اندازه ی سنگینی ذره ای کار بد کرده باشد آنرا می بیند این آیات از روشن ترین آیات قرآن کریم بر مسأله ی تجسم اعمال محسوب می شود که در روز قیامت اعمال آدمی به صورت های مناسبی تجسم می یابد و در برابر او حضور پیدا می کند و هم نشینی با آن مایه ی نشاط یا رنج و بلا می گردد. (ناصر مکارم شیرازی تفسیر نمونه / ۱۳۸۵ / ۲۷ / ۲۲۷)

ب) روایات

آیات فوق هر چند به صراحت بر تکامل دلالت نه دارد ولی در روایات آمده است که ارواح اموات از خیرات و مبرات یا باقیات و صالحات که مؤمنین برای آنها انجام میدهند یا خودش به جا گذاشته است بهره مندمی شوند از ضمیمه کردن این دسته روایات که تعدادشان کم هم نیست به آیات یاد شده به خوبی استفاده می شود که انسان در عالم برزخ و قیامت توسط باقیات و صالحات که خود در گذشته به یادگار گذاشته و جریان دارد یا اعمال که دیگران به نفع او انجام میدهد او را از نگرانیها برون می آورد و تکامل پیدامیکند و این اعمال بصورت های مناسب تجسم پیدامی کنند، این روایات را بدو دسته می شود تقسیم کرد دسته اول روایاتی است که اعمال دیگران را مورد توجه قرار داده است.

دسته اول از روایات

در روایتی از امام صادق^۷ در جواب سائل چنین آمده است: فیوسع الله علیه ذلك الضيق» (حرعاملی وسائل الشیعه/۱۴۰۹/۲/۴۴۳) راوی حدیث گفت از حضرت صادق^۷ پرسیدم: می توان به جای مرده نماز خواند؟ حضرت فرمود: بله، سپس فرمود: ممکن است میت در نگرانی و غم اعمال گذشته ی خود باشد و این عبادتی که به جای او انجام می شود جبران کمبود او را بکند و وی را از نگرانی نجات دهد.

در روایت دیگری هشام از امام صادق یا امام کاظم^۷ می خوانیم: «یصل الی المیت الدعاء و صدقه و الصلاة ونحو هذا قال^۷ نعم» (وسائل همان/۲/۴۴۴) از امام صادق یا امام کاظم^۷ پرسیدم: دعا و صدقه و نماز به آنها می رسد حضرت فرمودند: بله.

و همین طراز وجود نازنین امام صادق^۷ سوال شده است: آیا می شود برای مرده نماز خواند؟ حضرت فرمود: بله، سپس فرمود: «ان المیت لیفرح بالترحم علیه والاستغفار له کما یفرح الحي بالهدیه تهدي الیه» (علیرضا صابری یزدی بالحکم الزاهره ۱/ ۲۳۲، محمدرضا انصاری محلاتی محجة البیضاء/۸/۲۹۲)

یعنی میت با ترحم و استغفار خوشحال و شادمان می‌گردد آن گونه که زنده‌ها به وسیله‌ی هدایا خوشحال می‌گردند.

امام رضا^۷ می‌فرماید: «ما من عبد زار قبر مؤمن فقراً علیه «انا انزلناه فی ليله القدر» سبع مرات الا غفر الله له ولصاحب القبر» (بحار مجلسی/ ۴/ ۱۴۰۴/ ۱۶۹) یعنی کسی که قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت مرتبه سوره‌ی قدر را تلاوت کند خداوند هم قاری را می‌بخشد و هم متوفای مدفون را از این دسته روایات استفاده می‌شود که هر عمل خیر را که بستگان، دوستان یا دیگران به نیت و نفع میت انجام دهند میت سود می‌برد و تکامل پیدا می‌کند.

دسته دوم از روایات

دسته دوم روایاتی هست که راجع به اعمال که خود انسان انجام می‌دهد سخن می‌گویند در روایتی آمده است: کسانی که در دنیا مرتکب اعمال حسنه و زیبایی شده‌اند و بناهای خیریه‌ای را تأسیس نموده‌اند تا زمانی که آن بناها باقی است ثواب آن کارهای خیر در عالم برزخ به صاحب آن کار می‌رسد و در پرتو آن صاحبش تکامل و رشد معنوی پیدا می‌کند.

در روایتی آمده است: «ست خصال ینتفع بها المؤمن من بعد موته ولد صالح یتغفر له ومصحف یقرء فیہ وقلیب یحفره و غرس یرسه و صدقه ماء یریه و سنه حسنه یرخذ بها بعده» (مجلسی محمدباقر بحار/ ۴/ ۱۴۰۴/ ۲۹۳)

یعنی شش خصلت و کار است که انسان بعد از مرگ هم می‌تواند از آن منتفع بشود و با انتفاع از آن رشد و کمال پیدا کند.

- ۱- ولد و فرزند شایسته و صالحی که بعد از مرگ برای شخص استغفار کند.
- ۲- نوشته و یا کتابی که شخص دانشمند از خود به جا گذاشته است هر گاه دیگران از آن استفاده کنند و سود و بهره ببرند مؤلف آن از او نفع می‌برد و رشد پیدا می‌کند.
- ۳- کسی که چاهی حفر کرده و در اختیار مردم قرار داده است تا زمانی که جامعه و مردم از آن چاه استفاده می‌کنند ثوابش به آن شخص در عالم قبر و برزخ می‌رسد.
- ۴- کسی که نهال و درختی را غرس نماید و بکارد تا زمانی که مردم از آن نفع می‌برند ثوابش

عائد آن شخص می شود.

۵- کسی که قناتی را حفر کند و آب از آن جریان پیدا کند تا زمانی که مردم از آن بهره می برند صاحب آن از ثواب آن بهره می برد.

۶- کسی که سنت حسنه ای را بنا نهد تا زمانی که آن سنت حسنه وجود داشته باشد و مردم به آن سنت عمل کنند ثواب آن به بنیان گذار آن می رسد ولو از دنیا رفته باشد.

گرچند این روایت شش مورد را بیان فرموده و حال اینکه این مسئله منحصر به آن شش مورد نمی باشد بلکه هر کار خیری را که انسان برای رضای خدا انجام بدهد که برای جامعه مفید باشد ثواب آن کار در عالم برزخ به آن شخص می رسد و آن شخص در پرتو آن می تواند به رشد روحی و معنوی برسد.

چنانکه در روایتی همین معنا از لسان مبارک پیامبر^۹ مورد تأیید قرار گرفته است آنجاکه می فرماید: «من سنّ سنه حسنه فله اجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیامه من غیر ان ینقص من اجورهم شیء» (حرانی حسن تحف العقول/۱۴۰۴/۲۴۳) هر کس سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد اجر آن سیره و اجر کسانی که تا قیامت به آن سیره عمل می کنند برای او خواهد بود بدون آن که از اجر و مزد و پاداش عاملین به آن چیزی کاسته شود.

از این روایت به خوبی استفاد می شود که اثر بنیان گذاری هر سنت در جامعه پایدار است و هر بار که سنت خوب مورد عمل دیگران واقع شود پایه گذار سنت خواه در دنیا و خواه در برزخ باشد از اجر تازه ای همانند اجر عامل آن بر خوردار می گردد.

البته سنت بد نیز چنین کیفر و اثر دامنه داری دارد چنان که از امام باقر^۷ روایت شده است: «انّما عبد من عباد الله سن سنه ضلاله کان علیه وزر من فعل ذالک من غیر ان ینقص من وزرهم شیء» (محمدتقی فلسفی الحیث ۲/۱۵۵) هر بنده ای از بندگان خدا که روش گمراه کننده ای بین مردم بنیان نهد برای او گناهی همانند کسانی است که مرتکب آن عمل شده اند بدون این که از گناه عاملین آن چیزی کاسته شود.

قرآن کریم هم می فرماید: «لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ

يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ» (نحل/۲۵) آنها در روز رستاخیز بار سنگین گناهان خویش را باید بر دوش بکشند و همچنین بار گناهان کسانی را که با بی خبری و جهل خود گمراه ساختند.

این آیه نیز بیان گر این معنا است که کسی که بنیان گذار عمل بد باشد و به اصطلاح از طریق تسبیب در انجام عمل دخالت داشته باشد در نتایج آن شریک خواهد بود و در حقیقت عمل خود او محسوب می شود چرا که پایه و اساس آن به دست وی گذارده شده است (ناصر مکارم شیرازی تفسیر نمونه/۱۳۸۵/۶/۸۶)

در روایتی از امام صادق^۷ می خوانیم: «لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال صدقة اجراها في حياته فهي تجري بعد موته الي يوم القيامة صدقة موقوفة لا تورث او سنة هديّ سنها فكان يعمل بها وعمل بها من بعده غيره او ولد صالح استغره» (شیخ صدوق الخصال/۱۵۱/۱) پس از آنکه آدمی از دنیا برود اجری عاندش نمی گردد مگر از سه خصلت صدقه ای که از آن در ایام حیات خود به جریان انداخته باشد و پس از مرگ نیز تاقیامت جریان دارد مانند موقوفاتی که ارث برده نمی شود یا سنت خوبی که پایه گذاری نموده و بعد از او نیز مورد عمل دیگران قرار می گیرد یا فرزند صالحی که وی را به شایستگی تربیت نموده و برای او استغفار می نماید.

ناگفته نماند که صدقه جاریه ای که در روایات آمده معانی و مفاهیم گسترده و وسیعی دارد که موارد بسیاری را شامل می شود اختصاص به یک مورد ندارد چنانکه در روایتی که از پیامبر^۹ نقل شده حضرت فرموده است: «من سن سنة حسنة» یعنی هر کار و عمل خوبی که باشد سنه حسنه است و ثواب عاملین به آن و کسانی که مثل آن سنت حسنه ی دیگری را بنا بگذارد به پایه گذار اولی آن بدون کم و کاست شدن از عامل آن میرسد.

بنابراین آنچه که از روایات بدست می آید در عالم برزخ راه کمال و رشد باز است گاهی خود انسان عوامل رشد و تکامل خود را در عالم برزخ در عالم دنیا ایجاد می کند و گاهی دیگران یعنی بستگان، دوستان آن راه را برای شخص متوفی باز می کنند.

پس از نظر روایات هیچ شك و شبهه ای نیست که برای انسان در عالم برزخ تکامل و رشد

هست و عوامل آن یا اعمال خوبی است که انسان در دنیا آن را پایه گذاری کرده یا عمل نیکی است که فرزند و وابستگان انجام می دهند و ثواب آنرا نثار روح متوفی می کند و این هدیه موجب می شود تا متوفی در عالم برزخ تکامل روحی پیدا کند چون به فرموده علامه طباطبایی کسیکه بذر تکامل را کاشته باشد در عالم برزخ پرورش می یابد مانند اینکه اگر کسی سنت حسنه یا بنای خیری را در دنیا بنیان نهاده باشد ثوابش به روح او عاید می گردد (رخشاد، ۱۳۸۶: ۲۳۰)

تکامل برزخی از نظر حکماء و فلاسفه

حکما و فلاسفه در درك تکامل برزخی با مشکل مواجه گردیده اند زیرا هر تکاملی نیازمند به ماده و استعداد است و با توجه به اینکه نفس انسانی پس از مفارقت از این نشأه که نشأه ماده، استعداد، حرکت و تغییر است به نشأه دیگر که وراي زمان، مکان، قوه و استعداد است می رود چگونه برای آن تکامل ممکن و متصور است.

این اشکال موجب شده که بزرگان حکمت و فلاسفه مانند بو علی سینا بگویند: ما نه دلیلی بر اثبات تکامل برزخی داریم نه دلیلی بر نفي تکامل برزخی (ابن سینا التعلیقات/۸۷) در جای دیگر فرموده است در تحقق روح، وجود جسم شرط است اما در بقاء و تکامل روح وجود جسم شرط نیست یعنی روح در تکامل برزخی نیازی به جسم ندارد بدون جسم هم می تواند تکامل پیدا کند (ابن سینا التعلیقات/۸۱)

فارابی برای حل این مشکل می گویند: روح انسان بعد از مرگ در عالم برزخ تعلق به اجرام سماوی پیدا می کند و در پرتو این تعلق برای روح در عالم برزخ يك نحوه تکامل حاصل می شود بعد توضیح می دهد که این تعلق روح در عالم برزخ به اجرام سماوی به نحوی است که اجرام سماوی بدن حقیقی روح نمی شود تا مشکل تناسخ باطل پیش بیاید بلکه يك نحو تعلق است و این نحو تعلق را توضیح نمی دهد (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۷۷)

ولی شیخ بو علی سینا این بیان فارابی را کامل و ناب دانسته و تأکید کرده می گویند: «تعلق روح بعد از مفارقت به اجرام سماوی به این نحو نیست که اجرام بدن روح مفارقت گردد تا تناسخ

باطل لازم آید بلکه مراد از تعلق این است که همین اندازه که آلتی موضوع تخیل روح گردد چون تعلق عرض عریض دارد» (شیخ الرئس ابن سینا المبدء والمعاد/۱۱۴ و ۱۱۵)

اما صدر التألّهین شیرازی در جلد نهم اسفار باب هشتم که درباره ابطال تناسخ است قول فارابی را نقل می کند و آنرا رد نمی کند و تناسخ را به حق و باطل تقسیم می کند سپس اقوال اساطین حکمت مثل افلاطون و فلاسفه را مثل سقراط، فیثاغورث، انباز قلس و اغاثا ذیمون و سایر علماء که قائل به تناسخ بوده را به تناسخ حق حمل کرده و قول فارابی را به قول استادش افلاطون برگردانده است (شیرازی محمد اسفار/۶/۹)

بعد در آخر فصل ۱۱ باب ۱۰ اقوال اساطین حکمت مثل سقراط و افلاطون را نقل می کند که ناظر به تکامل برزخی است (شیرازی محمد اسفار/۱۸۲/۹)

بنابراین آخوند ملا صدرا نیز اصل تکامل را می پذیرد و قبول دارد چنانکه افلاطون، ارسطو، و شیخ الرئیس و... قبول دارند اما هیچ کدام یک برهان عقلی تام بر آن اقامه نکرده است علاوه بر اینکه جناب شیرازی دلیلی را که فارابی اقامه کرده نمی پذیرد.

نتیجه این می شود که تکامل برزخی از منظر حکماء و فلاسفه حق است چنانکه شهید مطهری می گوید: «کارهای خیر بازماندگان مردگان که به نیت اینکه ثواب و اجرش از آنها باشد صورت می گیرد برای آنها موجب خیر و رفاه و سعادت می شود. مطلق صدقات جاریه مانند تأسیس مؤسسات خیریه که سودش برای خلق خدا جریان دارد و باقی می ماند و غیر جاریه که یک عمل زود گذر است، اگر به این قصد صورت گیرد که اجر و پاداشش برای پدر یا مادر، دوست، معلم و یا هرکس دیگر که از دنیا رفته بوده باشد مانند هدیه برای رفتگان محسوب می شود که موجب سرور و شادمانی آنها می گردد و همچنان است دعا، طلب مغفرت، حج و طواف و زیارت به نیت از آنها» (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۱۹/۲)

پس تکامل در عالم برزخ مسلم است که قرآن و روایات و همچنان فلاسفه و عرفا آن را تأیید می کنند و برحقانیت آن سخن رانده اند چیزی که باقی مانده است استدلال عقلی و فلسفی مسئله است که کسی در این زمینه سخن نگفته است و استدلال عقلی و فلسفی ارائه نداده است به نظر می رسد که بحث تکامل برزخی از کلام شرع و منطق و وحی وارد در کتب فلسفی شده است و الا

فیلسوف از کجا به فکر تکامل برزخی افتاده است اگر منطق وحی نباشد از چه راهی به این موضوع پی برده است و انگهی حال که از منطق شرع بدان راه یافته است دریافتن برهان و اثبات آن از استدلال عقلی و فلسفی عاجز مانده است (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۷۷)

نتیجه گیری

نتیجه اینکه تکامل برزخی امکان دارد و آیات و روایات زیادی بر آن دلالت میکند حکما و فلاسفه هم امکان آن را تأیید می کنند تکامل گاهی به سبب کاری که خود شخص در دنیا انجام داده است صورت می پذیرد مثل اینکه قناتی حفر کرده درختی را غرس نموده، ولد صالحی را به جا گذاشته یا سنت حسنه ای را پایه ریزی نموده است و گاهی به دست دیگران تحقق می یابد یعنی فاتحه می خواند عمره و حج انجام می دهد و... و ثوابش را به روح متوفی هدیه می کند در نتیجه روح متفی رشد و تکامل می یابد.

حدیث پایانی:

عن النبي^۹ قال من دخل المقابر و قرء سورة «يس» خفف الله عنهم يومئذ و كان له بعدد من فيها حسنات (الفاضل الهندي/كشف الثام/۱۴۱۶/۱/۱۷۹ می فرماید: کسی که وارد مقبره مؤمنین بشود و سوره «یس» را تلاوت کند خداوند به اموات آن قبرستان تخفیف در عذاب و نگرانی میدهد. و در مقابل به تعداد آن مرده ها برای قرائت کننده حسنه داده می شود.

کتابنامه

- ابن سینا، شیخ رئیس، التعليقات، بیجا، نشر مکتبه الاعلم الاسلامي، بیتا.
- ابن سینا، شیخ رئیس، المبداء والمعاد، بیجا، نشر مؤسسه مطالعاتي اسلامي بیتا.
- انصاری محلاتی، محمد رضا، محجهاالیضاء،
- حرانی، حسن، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین قم سال ۱۴۰۴ق.
- رخشاد، محمد حسین، در محضر علامه طباطبایی، قم، نشر سماء قلم، ششم ۱۳۸۶ش.
- شیخ صدوق، الخصال، قم، نشر جامعه مدرسین، بیتا.
- شیرازی، محمد، اسفار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بیتا.
- صابری یزدی، علیرضا الحکم الزاهره، بیجا، سازمان تبلیغات اسلامی، بیتا.
- طوسی، نصیر الدین، آغاز و انجام، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چهارم، ۱۳۷۴ مقدمه و شرح و تعليقات از آیت الله حسن زاده آملی.
- عاملی، حر، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت ۷، بیتا.
- فاضل هندی، کشف اللثام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
- فلسفی، محمد تقی، الحدیث، بیجا، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بیتا.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چاپخانه سپهر، دوم، ۱۳۷۲ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، سی و یکم، ۱۳۸۵ش.